

# ایدئولوژی کشورهای در حال توسعه

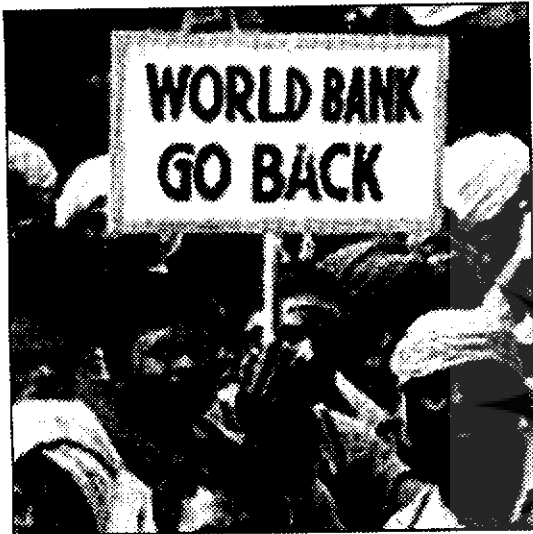
## THE IDEOLOGIES OF THE DEVELOPING NATIONS

Edited And With An Introduction

By: Paul E. Sigmund

ترجمه و اقتباس - بخش سیاسی مجله‌ی فردوسی

پیشتر گفته بودیم که پل سیگموند یکی از پژوهشگران مشهور جهان در محدوده ایدئولوژی‌ها است و کتاب وی به تشریح ویژگی‌های رهبران کشورهای صاحب ایدئولوژی پرداخته است. پیشنهاد کرده بودیم که به علت اهمیت کتاب «ایدئولوژی کشورهای در حال توسعه» مطالب آن مورد توجه و دقت دانش‌پژوهان، دانشجویان، سیاستمداران و دولت‌مردان قرار گیرد و.....



برداشت‌های عقیدتی و اختلاف و تضاد آشکار و نهان رهبران در محدوده‌های مختلف ارضی و جغرافیایی، درسی بسیار آموزنده برای دانشجویان و دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به منازعه و کشمکش بین دو جناح (با ایدئولوژی‌های متفاوت) خواهد بود.

پیشرفت‌های سریع و گسترده صنعتی جهان نقشی داشته باشند تا بر فقر، بی‌سوادی، عقب‌ماندگی، گرسنگی و نابسامانی‌های جانکاه‌ای که سرزمینشان را فراگرفته و آن‌ها را به نابودی تهدید می‌کند، فایق آیند.

این تجزیه و تحلیل حتی برای پژوهشگران، علاقه‌مندان و دانشجویان غربی نیز جالب و قابل استفاده خواهد بود، زیرا غربی‌ها در گیرودار مسایل مبتلابه جهان سوم، از خصوصیات ملت‌های این سرزمین‌ها

که برای کسب آزادی تلاش می‌کنند و برای رسیدن به آن حتی از بذل مال و جان خویش نیز دریغ ندارند، آگاهی بیشتری به دست خواهند آورد. برای دانش‌پژوهان غربی بسیار آموزنده خواهد بود که به مسائل مورد توجه این جهان پرتلاش و پرتوان پی برده و

تحلیلی از رینولد - نی بر بوکتاب: «ایدئولوژی کشورهای در حال توسعه» و پژوهشگر و نویسنده آن: «پل - سیگموند».

پل سیگموند یکی از نویسندگان نام‌آور است که در زمینه‌ی تدوین مطالب و مباحث پیچیده سیاسی و گردآوری آثار برگزیده ایدئولوژیک و تئوری‌های فلسفی - سیاسی رهبران کشورهای نو استقلال<sup>۱</sup> یا در حال توسعه از مهارت فراوانی برخوردار است. ارزش کار این نویسنده زمانی به اوج اهمیت خود می‌رسد که آثار وی در خدمت دوستداران ایدئولوژی‌های متقاوت و

در دهکده جهانی تئورسین‌های مدرن، چرا هنوز فقر، بی‌سوادی، نبود بهداشت، بیماری، بی‌کاری، گرسنگی و اعتیاد به چشم می‌خورد؟

دانشجویان و علاقه‌مندان به علم سیاست درآید. یکی از ویژگی‌های پل - سیگموند چنین است که وی در شرح و تفسیر سیاسی و تجزیه و تحلیل مسائل منطقه‌ای، در زندان تصورات و برداشت‌های شخصی و ذهنی خویش در یک منطقه‌ی جغرافیایی مشخص و ویژه، محبوس نیست. وی ملت‌ها و سرزمین‌های متفاوتی مثل: آمریکای لاتین، آفریقا، خاورمیانه، آسیا و آسیای جنوب شرقی را تجزیه و تحلیل نموده است. این ملت‌ها به صورت‌های مختلف و اشکال گوناگون خواهان به دست آوردن استقلال، آزادی، دموکراسی و رهایی از چنگال نیروهای سلطه‌گر اجنبی یا آیدای داخلی آن‌ها هستند. آن‌ها علاقه‌مندند که در صحنه‌ی

یکی از راه‌کارهای مفید برای رسیدن به اقتصاد ملی و مستقل، تقویت زیربنای تولید، صنعت، اقتصاد و بازار کار است.

دریابند که این ملت‌ها از چه چیزی خوششان می‌آید و نسبت به چه چیزی بدبین هستند و یا احساس تنفر می‌کنند. ما در این اثر ارزنده پل - سیگموند درمی‌یابیم که اینان به تئوری‌های تجربه شده فرهنگ غربی گرایش دارند و یا به سیستم اشتراکی جهان کمونیست<sup>۲</sup> (و یا حکومت‌های مستقل و ملی خود) افشاگری، و تجزیه و تحلیل‌های شایسته‌ی پل - سیگموند در مورد اختلافات موجود بین گروه‌های محافظه‌کار، میانه‌رو و رادیکال و باورهای سیاسی - ایدئولوژیک و

۱- Emerging Nations که خلاصه‌ی آن E.N. می‌باشد به ملت‌های نواستقلال یا تازه استقلال یا نوپا گفته می‌شود. ترجمه‌ی لغت به لغت این عبارت، «ملت‌های سر برآورده» و یا «ملت‌های در حال سر برآوردن» است و اما در این کتاب عبارت E.N. به مفهوم: کشورهای نواستقلال یا تازه استقلال یا نوپا ترجمه شده است. نواستقلال در این کتاب هم به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که از یوغ استعمار کهنه و اسارت مستقیم کشورهای استعماری مانند: انگلستان، فرانسه، پرتغال، بلژیک، اسپانیا و غیره به نام «قیومیت» رهایی یافته‌اند و هم به ملت‌هایی که با مبارزات انقلابی، مسلحانه و یا قیام‌های فراگیر ملی و مردمی حکومت‌های دیکتاتوری، غیرملی و یا وابسته به بیگانه را سرنگون کرده و دولتی ملی و مستقل برسر کار آورده‌اند.

۲- اگر چه امپراتوری بزرگ اتحاد جماهیر شوروی سال‌ها است که متلاشی شده و مرکزیت جهان کمونیست از بین رفته است، اما نظریه‌ی کمونیسم به عنوان یک ایدئولوژی هنوز وجود دارد و در حال حاضر چندین کشور جهان و سرزمین قدرتمندی مانند چین با همین ایدئولوژی اداره می‌شوند.



چنانچه این اتفاق باورنکردنی شکل حقیقت به خود بگیرد، آن دیکتاتور بزرگ با سرزمین‌هایی سوخته، نیمه سوخته و مردمانی

دیوانه، بیمار و معلول روبه‌رو خواهد بود که رسیدن و راضی کردن این موجودات باقی‌مانده از امواج مرگ بار حملات اتمی و شیمیایی اگر غیرممکن نباشد، بی‌تردید بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین ما و فرزندان ما در حال حاضر و در سال‌های آینده به شدت نیازمند دانستن و بهره گرفتن از نظریه‌ها و ایدئولوژی‌هایی هستیم که پیرامون ما وجود دارند و با مردم سرزمین‌های مختلف پیوند خورده‌اند.

آیا تئوری گلوبالیزیشن با ایدئولوژی کشورهای در حال توسعه در تعارض نخواهد بود!

## بخش یکم

### «ایدئولوژی»

لغت‌نامه‌ها واژه "ایدئولوژی" را چنین تعریف کرده‌اند: "اندیشه‌ای سیستماتیک با قالبی موزون از عقاید یک فرد درباره زندگی و یا فرهنگ انسان". اما در اصطلاح عموم این کلمه دلالت دارد بر پذیرش تعهداتی احساسی، اخلاقی و یا عقلانی از موقعیت انجام یک عمل، که می‌تواند به عنوان یک هدف نهایی، ابزار عقاید محافظه‌کارانه باشد. که البته به جای خود نظریه‌ای مستقل است و یا تحریف آگاهانه و یا غیرآگاهانه از حقایق موجود باشد در جهت تحکیم و استقرار یک دکترین ویژه.

کارل مان‌هین، تعریف دیگری از ایدئولوژی دارد به این معنا: «ایدئولوژی عبارت است از تغییر ماهیت کم و بیش آگاهانه از طبیعت حقیقی اوضاع و احوال جاری جامعه».

هدات زمان بین قرن هفدهم تا قرن نوزدهم را در اروپا دوره "ایدئولوژی" نامیده‌اند، زیرا بسیار دیده شده است که در این دوره تئوری‌های متعددی درباره انسان و ارتباط وی با حال و آینده جامعه و وضعیت فعلی و آتی جوامع انسانی ارائه شده است. در

دیرپایمان در جهان خو کرده‌ایم، گامی این چنین ارزنده و تجزیه و تحلیلی تا این حد آموزنده از عوامل، نیروها و شخصیت‌هایی که جهان ما را تحت تأثیر افکار خود قرار داده‌اند، برای ما (آمریکاییان) بسیار سزاوار و شایسته‌ی تقدیر خواهد بود.

پیش از وارد شدن در بحث اصلی یک بار دیگر نظر خوانندگان خردمند و دانش پژوه مجله‌ی فردوسی را به این اصل جلب می‌کنیم. بسیاری از نظریه‌پردازان سال‌های اخیر بر این باورند که با پیش آمدن نظریه‌ی گلوبالیزیشن (Globalization جهانی شدن) و تغییرات شگفت‌انگیز تبادل اخبار و اطلاعات رسانه‌ای، عصر ایدئولوژی سیاسی و ایسم‌ها به پایان رسیده است.

از سوی دیگر مخالفان این نظریه اعتقاد دارند که ایدئولوژی‌ها، نتیجه‌ی مطالعه و پژوهش گسترده و دراز مدت خردمذانی هستند که برای رفع تکنکناهای اجتماعی و آسایش بیشتر انسان مطرح شده‌اند. بنابراین با وزش یک باد و یا طوفان ناگهانی از بین نمی‌روند.

درست است که با آمدن تکنولوژی حیرت‌آور اطلاع‌رسانی‌ماهوره‌ای، اینترنتی، دیجیتالی و رایانه‌ای، بسیاری از پیش فرض‌های نظریه‌پردازان پیشین کم‌رنگ شده و مرزهای اطلاع‌رسانی ماهوره‌ای جای مرزهای جغرافیایی را گرفته‌اند، اما هنوز نمی‌توان تصور کرد که در آینده‌ای نزدیک نقشی‌گره زمین تعریفی دگرگونه‌تر از آن چیزی که امروز مشاهده می‌شود، داشته باشد. حتی خوش‌بین‌ترین نظریه‌پردازان عصر حاضر نمی‌توانند ادعا کنند که در دهه‌های آینده و یا حتی تا پایان هزاره سوم، خط، زبان، دولت، حکومت، سرزمین، قوانین بومی، آداب و رسوم ملی، فرهنگ و تمدن ملت‌ها، جدا از تمایلات و نیازهای ملی و مردمی آن‌ها، یکی بشود.

چنین موضوعی فقط در یک صورت شکل حقیقت به خود می‌گیرد و آن ظهور یک دیکتاتور نظامی دیوانه است که با پشتیبانی دولت مردان جنگ‌طلب خود، به قیمت نابودی حداقل (یک دوم) کره زمین به امیال سرکش خود دست یابد و جهانیان را به زور و با تهدید مرگ و زندگی برای مدتی نه چندان طولانی به زیر یک پرچم، یک حکومت، یک دولت، یک خط و یک زبان درآورد.

بسیار مهم است تا دانسته شود که چه عاملی باعث می‌گردد تا برخی از رهبران، در گیرودار این کشمکش‌ها و منازعه‌های سیاسی بی‌طرف می‌مانند و یا چرا برخی دیگر از آن‌ها

در حالی که مازاد تولید و مصرف مواد غذایی چند کشور انگشت‌شمار جهان خارج از کنترل به نظر می‌رسد و برای در اختیار داشتن انحصارات سرمایه‌ای مقدار بی‌شماری از آن منهدم می‌شود، هنوز در هر سال صدها هزار انسان زیر شلاق سنگین فقر، کم‌غذایی، بی‌غذایی و گرسنگی جان می‌بازند.

به سختی هواخواه و طرفدار سیستم‌های تک حزبی می‌شوند و یا به سیستم‌های دو حزبی و چند حزبی که در غرب کاملاً شناخته شده هستند گرایش پیدا می‌کنند. و یا به آن‌چه که ما از آن‌ها به عنوان خالص‌ترین شیوه‌های دموکراتیک نام می‌بریم پشت می‌کنند. در عین حال شایسته است تا معلوم شود که چرا شیوه حکومت‌های فدراسیونی (سیستم حکومتی فدراتیو) مورد توجه کشورهای تازه استقلال قرار می‌گیرند که هم به عنوان سپربلا و رفع خطر در مقابل استبداد و سلطه‌گری بیگانه به حساب می‌آیند و هم خطری برای تمامیت ارضی و استقلال همین سرزمین‌ها شناخته می‌شوند.

علاوه بر تمام اطلاعات و اخبار صریح و روشنی که در این اثر پل سیگموند به خواننده داده می‌شود، خواننده باز بر آن است که اختلاف‌ها، مشابهت‌ها، تضاد، دوگانگی و چندگانگی سیستم‌های حکومتی و رژیم‌های حاکم و عملکرد رهبران این سرزمین‌ها را که هر روز در نشریه‌های روزانه از آن‌ها نام برده می‌شود، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آگاهی بیش‌تری به دست آورد. بسیار آموزنده خواهد بود اگر دانسته شود که چگونه یک رهبر آفریقایی با یک رهبر آسیایی و یا یک رهبر آمریکای لاتین در عملکرد سیاسی - ایدئولوژیک خود اختلاف‌نظر داشته و یا با رهبر دیگری در قسمت دیگری از جهان هماهنگی و توافق دارند.

در زمانه‌ای که ما با آهنگی آهسته حرکت می‌کنیم و در مواردی نه چندان اندک، بسیار کند پیش می‌رویم و فقط به گسترش ابعاد قدرت، میزان مسؤلیت و حدود وظایف



عین حال این دو قرن را جامعه‌شناسان دوران سیاست، اقتصاد و انقلاب اجتماعی نیز نامیده‌اند که در آن نظام قرون وسطایی در مقابله با نظام جدید یعنی جامعه‌ی صنعتی شکست می‌خورد و انسان به ویژه در این دوره به طور آگاهانه درمی‌یابد که راه‌های زیادی برای بهتر زیستن جلوی پای خود گشوده

دارد. در این دوره مفاهیم و واژه‌هایی چون، "مذهب"، "فلسفه" و "سیاست"

تغییر می‌کنند و اعتقادات سیاسی اجتماعات نیز دگرگون می‌شوند.

این دگرگونی‌ها هنوز پس از گذشت سه قرن، سرزمین‌های بزرگی چون آسیا، آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین را عمیقاً تحت تأثیر افکار و عقاید انقلابی قرار داده‌اند. آنچه که غالباً به عنوان "انقلاب ضد استعماری" از آن یاد می‌شود از حد یک تقلا و کوشش ساده در زمینه‌ی کسب استقلال سیاسی و کوتاه نمودن نفوذ استعمارگران بسیار فراتر رفته است.

دهکده جهانی کامپیوتریزه، گلوبالیزیشن، فن‌آوری ماهواره‌ای، اینترنت، خبررسانی دیجیتال و تکنولوژی هسته‌ای بسیار خوب و ارزشمند است، به شرطی که همراه با آن به عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، فقرزدایی و زدودن تنگ‌بندی‌های پرداخته شود.

بدیهی است، ره‌آورد این دوره چیزی جز ایجاد زمینه‌های انقلاب اجتماعی و سیاسی نبوده است. در این رهگذر رهبران بسیاری از کشورهای غیر اروپایی با تلاش فراوان و با استفاده از تجربیات دوران بازسازی اروپا توانستند برای هدایت کشورشان به دنیای مدرن گام‌های ارزنده‌ای بردارند.

بهره‌گیری از همین تجربیات بود که اقتصاد مدرن و صنعتی را جای‌گزین فرهنگ سنتی تک محصولی کشاورزی - تولیدی - صادراتی نمود و جوامع نوپا را به سوی صنعتی شدن سوق داد.

اصل طبیعی تغییرات و دگرگونی‌هایی که مورد نیاز جامعه است، گروه‌های مختلف مردم و به ویژه رهبران ناسیونالیست ملل نوپا یا تازه استقلال را که خواهان دست یافتن به این تغییرات زیربنایی بوده‌اند واداشته است که برای رسیدن به هدف مقدس خود با امیدواری و دل محکمی بیش‌تری به قضیه توجه کرده و آن را پی‌گیری نمایند. در صورتی که عمیقاً و با نگرشی بسیار

تا وقتی که تکلیف کشورهای دارا و نادار، سیر و گرسنه، باسواد و بی‌سواد، پیش رفته و عقب افتاده، جهان اول، جهان دوم و جهان سوم روشن نشده است، به خاک سپردن ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی به بهانه‌ی سپری شدن عصر مرزهای جغرافیایی و جای‌گزین شدن مرزهای ایدئولوژیک به جای مرزهای جغرافیایی، خیانتی نابخشودنی به ناسیونالیست‌های میانه‌رو (Moderate Nationalists) است.

منطقی به مسائل و پیش‌آمدهای ملل عقب‌مانده و در حال توسعه توجه شود و خواست‌های آنان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، تشتت آرا، تضاد عقاید و یا برخوردهای ایدئولوژیکی کم‌تری در بین آنان مشاهده شده و جنگ و درگیری‌های قومی، نژادی و منطقه‌ای به حداقل خواهد رسید. مردم این سرزمین‌ها در مجموع به یک چیز می‌اندیشند و آن چیزی جز رهایی از یوغ استعمار و استثمار جهانی نیست. استعمار نو و کهنه ندارد. استعمار در هر شکل، واژه و یا ساختار اجتماعی همان

استعمار است و به هیچ چیز جز غارت ثروت و منابع دیگران نمی‌اندیشد. استعماری که امروز با آن روبرو هستیم به مراتب پیچیده‌تر از استعماری است که مثلاً ۶۰ سال قبل در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین با آن روبرو بودیم. استعمار امروزی «دزدی با چراغ است» و استعمار دیروزی «دزدی ناشی بود» که چه بسا به گاهدان می‌زد. اگر استعمار دهه‌های آغازین قرن بیستم با توپ و تانک مردم فقیر را می‌چاپید، امروز با تکنولوژی ماهواره‌ای و با کمک عروسک‌های آرایش شده رسانه‌های تصویری و خرید و فروش مغزها این کار را می‌کند.

نگاهی گذرا به بحث‌ها، اظهارنظرها و رویدادهای سازمان ملل متحد، این واقعیت را آشکار می‌سازد که نمایندگان کشورهای جدید، نوپا، تازه استقلال، غیر متعهد و در

حال توسعه خواستار سهم بیش‌تری از امتیازات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این مرجع جهانی گردیده و تقاضای استرداد تعداد بیش‌تری از کرسی‌ها و تریبون‌های مختلف بین‌المللی را دارند. و بسیار علاقه‌مندند که در تصمیم‌گیری‌های نهایی مسائل مهم و کلیدی جهان مشارکت صمیمانه‌تری داشته باشند.

اظهارات و نظریات ارایه شده بستگی مستقیم به تعریف ما از ایدئولوژی دارند که پیروان آن در نحوه برداشت و طرز تلقی

آن ایدئولوژی نوعی تعهد احساسی - اخلاقی برای خود به وجود آورده‌اند. این اعتقادات در صورتی که از قوه به فعل درآیند، باعث ایجاد جامعه‌ای جدید با مسیری مطمئن در راه رسیدن به هدف‌های مشخص و منطقی



خواهند گردید. بدیهی است، دکتترین ناسیونالیسم مدرن نمی‌تواند شامل مجموعه‌ای اصول سیستماتیک و عقاید جهان شمول و ایدئولوژیکی مارکسیسم، کاپیتالیسم، مسیحیت و یا عقاید لیبرالیستی دیگر گردد. در عین حال این امکان نیز وجود دارد که به

شایسته نیست که تمام موهبت‌های هستی متعلق به کشورهای توسعه یافته و فرا توسعه یافته باشد و کشورهای جهان سوم هر روز به مرزهای فقر مطلق نزدیک‌تر شوند.

جهاتی، ناسیونالیسم با یک پدیده و یا با پدیده‌های دیگر موجود در این ایدئولوژی‌ها موافق و یا با قسمت‌هایی دیگر از این اعتقادات هماهنگی و توافق نداشته باشد.

«ادامه در شماره آینده»